

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل في أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الأول: غسل الوجه - کیفیت شستن

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

تاریخ: ۱۰ دی ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۳۷

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

مسأله ۴۹۴: «لا يجب غسل باطن العين و الأنف و الفم إلا شيء منها من باب المقدمة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب نیست که [در هنگام وضو گرفتن] باطن چشم، بینی و دهان شسته شود مگر اینکه مقداری از آنها از باب مقدمه [علمیه] شسته شود.

دلیل عدم لزوم شستن باطن چشم، بینی و دهان همان روایتی است که قبلاً عرض شد که امام (ع) فرموده بود که «انما عليك أن تغسل ما ظهر»، بنابراین شستن باطن چشم، بینی و دهان لازم نیست.

اما دلیل اینکه مرحوم سید (ره) فرمود که شستن مقداری از داخل چشم، بینی و دهان از باب مقدمه لازم است، همان دلیلی است که قبلاً در ذیل مسأله ۴۹۱ ذکر شد، یعنی از باب مقدمه علمیه و برای علم به حصول امتثال و یقین به فراغ ذمه لازم است که انسان مقداری از داخل چشم، بینی و دهان را نیز بشوید، کما اینکه انسان هنگامی که طواف خانه خدا را انجام می دهد از باب مقدمه علمیه، کمی قبل از حجرالأسود، طواف را شروع می کند و در ختم طواف نیز کمی بعد از حجرالأسود، طواف را تمام می کند تا یقین پیدا کند که طواف را از حجرالأسود شروع و به حجرالأسود ختم کرده است.

مسأله ۴۹۵: «فيما أحاط به الشعر لا يجزئ غسل المحاط عن المحيط»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، موردی [صورت] که مو بر آن موضع احاطه پیدا کرده است، شستن محاط [پوست صورت] از محیط [مویی که پوست را احاطه کرده است]، کفایت نمی کند.

دلیل حکم مذکور، روایت ذیل است:

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ مَا أَحَاطَ بِهِ الشَّعْرُ؟ فَقَالَ: «كُلُّ مَا أَحَاطَ بِهِ مِنَ الشَّعْرِ فَلَيْسَ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَطْلُبُوهُ وَلَا يَبْتَخُوا عَنْهُ وَلَكِنْ يُجْرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ»^۳.

با توجه به روایت مذکور، گفته می شود که آنچه از پوست صورت که مو آن را احاطه کرده باشد، لازم نیست که شسته شود، ولی شستن پوست صورت از شستن مو، کفایت نمی کند، یعنی اگر کسی به نحوی آب را به پوست صورت برساند و ظاهر مویی را که بر صورت محیط است، نشوید، کافی نیست لذا حتماً باید مویی را که صورت را احاطه کرده است، بشوید تا شستن صدق کند.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. همان.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۶، ص ۴۷۶، ح ۳.

مسأله ۴۹۶: «الشعور الرقاق المعدودة من البشرة يجب غسلها معها»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب است که موهای نازکی که جزء پوست شمرده می‌شود نیز به همراه پوست شسته شوند. دلیل حکم مذکور، این است که موهای نازک و کم‌پشت تابع پوستند و چیزی جدا از پوست نیستند لذا همان‌گونه که شستن پوست واجب است، شستن این موها نیز واجب است.

همچنین، اطلاق ادله [، مثل آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»^۲ و روایاتی که در این زمینه وارد شده‌اند] نیز این موهای نازک را شامل می‌شود.

مسأله ۴۹۷: «إذا شك في أن الشعر محيط أم لا يجب الاحتياط بغسله مع البشرة»^۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شک شده باشد که مو، محیط بر پوست است یا محیط بر پوست نیست، احتیاط واجب این است موی مشکوک نیز همراه با پوست صورت شسته شود.

دلیل حکم مذکور، این است که همان‌طور که قبلاً [در جلسه ۳۵ در ذیل کیفیت شستن صورت] گفته شد شبهه مورد نظر، یا شبهه مفهومی است و یا شبهه مصداقیه است و در هر دو صورت واجب است که مو و پوست با هم شسته شوند و شستن یکی دون دیگری کافی نیست.

مسأله ۴۹۸: «إذا بقي ممّا في الحدّ ما لم يغسل و لو مقدار رأس إبرة لا يصحّ الوضوء، فيجب أن يلاحظ آماقه و أطراف عينه لا يكون عليها شيء من القيح أو الكحل المانع و كذا يلاحظ حاجبه لا يكون عليه شيء من الوسخ و أن لا يكون على حاجب المرأة وسمّة أو خُطاطٌ له جرمٌ مانع»^۴.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر چیزی از آنچه که به عنوان حدّ شستن، معین شده است، باقی ماند که شسته نشده باشد؛ هر چند که به اندازه سر سوزن باشد، وضویی که گرفته شده است، صحیح نیست، پس واجب است که وضو گیرنده گوشه‌ها و اطراف چشمش را بررسی کند تا چیزی از چرک یا سرمه که مانع از رسیدن آب است در آن نباشد و همچنین، باید ابروی خود را واریسی کند تا چیزی از چرک و کثافت روی ابرویش نباشد و روی ابروی زن نباید علامت یا قلم زدن که دارای جرم مانع [از رسیدن آب] است، داشته باشد.

دلیل حکم مذکور، این است که همان‌طور که در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»^۵ آمده است، انسان در هنگام وضو گرفتن باید صورت خود را بشوید و اگر مانعی از رسیدن آب به پوست صورت و موی ریش، سبیل و ابروها باشد، شستن محقق نخواهد شد، بنابراین، واجب است که انسان هنگام وضو گرفتن، اگر مانعی در موضع شستن است را برطرف نماید و سپس وضو بگیرد تا شستن صدق کند. همچنین، حکایت وضوی پیامبر (ص) [که در کتاب وسائل الشیعة، جلد اول، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب پانزدهم آمده است]، حاکی از این است که اجزاء صورت و دست‌ها به

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. «المائدة»: ۶.

۳. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۴. همان.

۵. «المائدة»: ۶.

طور کامل باید شسته شود لذا آب باید به پوست صورت و موی ریش، سبیل و ابرو برسد تا شستن صدق کند و وضو صحیح باشد.

همچنین، با توجه به اینکه واجب [شستن صورت]، واجب ارتباطی است؛ به این معنی که اجزاء صورت به هم مرتبطند لذا انسان باید یقین کند که در هنگام شستن مانعی از رسیدن آب نبوده است و آب به همه موضع شستن، رسیده است.

مسألة ۴۹۹: «إذا تیّقن وجود ما یشک فی مانعیّه یجب تحصیل الیقین بزواله أو وصول الماء إلى البشرة و لو شک فی أصل وجوده یجب الفحص أو المبالغة حتّی يحصل الاطمئنان بعدمه أو زواله أو وصول الماء إلى البشرة علی فرض وجوده»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص به وجود چیزی که شک دارد که آیا آن چیز برای وضو مانعیت دارد یا مانعیت ندارد، یقین پیدا کرد، واجب است که به زوال آن مشکوک یقین پیدا کند یا به رسیدن آب به پوست صورت، یقین پیدا کند.

شک در مانع دو حالت دارد؛ اول، شک در اصل وجود مانع است؛ به این معنی که آیا مانعی از رسیدن آب به پوست صورت وجود دارد یا وجود ندارد؟ دوم، شک در مانعیت موجود است؛ به این معنی که شخص شک دارد آن چیزی که بر روی پوست صورت است، مانع از رسیدن آب به پوست است یا مانع از رسیدن آب نیست؟

مرحوم سید (ره) در مسأله مذکور، شک در اصل وجود مانع را متعرض نشده است، بلکه شک در مانعیت موجود را متعرض شده است.

اگر شک در اصل وجود مانع باشد، دو قول مطرح است:

قول اول، اینکه عده‌ای گفته‌اند که فحص از مانع لازم نیست.

قول دوم، اینکه عده‌ای گفته‌اند که فحص از مانع لازم است.

نظر مختار این است که فحص از مانع لازم است چون طبق قاعده اشتغال [الإشتغال الیقینی یقتضی براءة الیقینیة]، چون ذمه انسان مشغول به تکلیف [وجوب شستن صورت به منظور وضو] شده است لذا باید فراغ ذمه برای او حاصل شود و یقین به فراغ ذمه در صورتی است که انسان یقین پیدا کند که آب به پوست صورت رسیده است و یقین به رسیدن آب به پوست در صورتی است که مانعی از رسیدن آب به پوست نباشد لذا اگر انسان در وجود مانع شک داشت واجب است که از وجود مانع فحص کند و به عدم وجود مانع یقین پیدا کند.

از کلام صاحب جواهر (ره) که نوشته است: «إنه لا یخلو إما أن یعلم عدم وجوده أو یشک فیّه، وإما أن یعلم وجوده و یشک فی صفته و هی الحجب أو معلوما حجبیه، أو معلوما عدمه، فان کان الأول فلا إشکال...»^۲، فهمیده می‌شود که به نظر ایشان فحص از وجود مانع و اطمینان به عدم وجود مانع، لازم نیست.

آیت الله خویی (ره) فرموده است: «و المعروف بین الأصحاب أن الشک فی وجود المانع مما لا اعتبار به»^۳؛ معروف بین اصحاب این است که شک در وجود مانع اعتبار ندارد.

بحث جلسه آینده: ادله کلام صاحب جواهر (ره) و آیت الله خویی (ره)، ان شاء الله، در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. محمد حسن، نجفی صاحب الجواهر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۸۸.

۳. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التتبیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۸۶.